

هفت سین و هفت آرزوی محال

چند خواب خوش نوروزی برای سینما در سال ۹۹



ایمان عبدلی

همین اول متن تکلیف خودم را با شما خواننده گرامر روشن کنم که این قرار است یک متن فانتزی باشد، در این چند سانتی متر کرونا و ترس هایش جایی ندارد. می‌خواهم از رویاهای محال برای سینمای ایران بنویسم در سالی که خواهد آمد، هر چه که نداریم، حداقل تخیل و آرزو رویا را که داریم. در یک دنیای موازی، سال بعد قرار است اتفاقات عجیب بیافتد، نوروز است و در آن کوش که خوشدل باشی، چه زیان دارد؟ والا که ندارد.

سین یکم خیال: دعوت سازمان سینمایی از راننده‌شدگان

در میانه‌های اردیبهشت هستیم و آن ماجرای اسمشونو نبر هم ختم به خیر شده و شش کم شده. تمام کشور بعد از شوک دو ماهه،

نیازمند به یک شیفت پارادایمی شده! یعنی مقامات و مسئولان تصمیم گرفته‌اند ساختارها را دوباره بی‌ریزی کنند و اولویت‌ها را تغییر بدهند. در فرهنگ و هنر هم که خب همگرای نمود زیادی دارد، مسئولان امر تصمیم گرفته‌اند با یک اقدام قاطع و فوری زمینه بازگشت تمام عناصر نخبه‌ی وطنی دور از دیار فراهم کنند. نهادهای موازی هم تضمین داده‌اند خیلی مته به خشخاش نگذارند و در هاباز شود. از همین رو سازمان سینمایی در نامه‌ای بلندبالا زمینه بازگشت رسمی تمام سینماگرهایی که در خارج از کشور هستند را فراهم کرده است. البته غیر از آن‌هایی که شاکای خصوصی دارند و سیکل ماجرا برایشان جور دیگری خواهد بود. از همین رو پیر و همان نامه روح افزا گ. ف. ب. و. ش. ا. و... خیلی‌های دیگر تصمیم به بازگشت به وطن گرفته‌اند.

در آستانه سال نو و نوروز دوست داشتنی چه بهتر که کار کم‌هزینه کنید، این همه ساختار سینمای کشور را به هم ریخته و هیچ تومانی هم از جیبم نرفت. نوروز پیروز است و کار هیچ پدیده‌ای نیست که خدشه بر تنش بیندازد

سین دوم خیال: توقیفی‌ها از گم‌در می آیند

هنوز در شوک نامه سازمان سینمایی هستیم که ناگهان با دستور مستقیم رئیس جمهور و همکاری تمامی نهادهای مرتبط تمام فیلم‌های توقیف شده ۴۰ سال اخیر رفع توقیف

می‌شوند و به اکران عمومی درمی‌آیند. مابین سینماهای سرگروه رقابت شدیدی در گرفته و بلیت‌فروشی‌ها حاکی از رشد چشمگیر مخاطب بعد از یک دوره کود اجباری دارد. تلویزیون هم در اقدامی بی‌نظیر در پخش تیزرهای فیلم‌های از توقیف در آمده نهایت همکاری را دارد. محسن امیر یوسفی به همراه بهروز توفیقی به مراسم فرش قرمز «اشغال‌های دوست داشتنی» در باغ کتاب می‌روند. استقبال مخاطبان چشمگیر است و تمام فیلم‌های در توقیف مانده از «خط قرمز» مسعود کیمیایی تا «صد سال به این سال‌ها» اثر سامان مقدم، از «گزارش یک جشن» کمال تبریزی تا تمام فیلم‌های ج. پ. به نمایش در آمده و در شهر سینمایی‌ها بلوایی برپا شده است.

سین سوم خیال: سازمان اوج و دعوت به همکاری از بیضایی و تقوایی

سور پرایز سوم متعلق به سازمان اوج است که پیش از این متهم به حمایت از یک سری فیلمسازهای خاص شده بود و حالا اما انگار که کنار با استعدادهایی چون مهدویان و امثالهم و نوبت به بیضایی در غربت و تقوایی عزلت‌نشین هم رسیده است. سازمان اوج با ارسال یک دعوت‌نامه رسمی برای بهرام بیضایی از او دعوت کرده تا با فراغ‌بال آثاری در ستایش و درباره اساطیر ایرانی بسازد و بیضایی هم پس از رفع توقیف «مرگ یزدگرد» نسبت به این دعوت‌نامه روی خوش نشان داده. از آن طرف ارسال یک دعوت‌نامه مجزای ناصر تقوایی دلی سینمایی‌ها را گرم کرده که پروژه نصفه و نیمه مانده تقوایی به سرانجام برسد. «اوج» به تقوایی و بیضایی برای همکاری با مژده شمسایی و مر ضیه وفامهر هم چراغ سبز نشان داده است. نزدیکان به خانواده بیضایی می‌گویند او برای آواز فیلم تازه‌اش از من که هنوز در غربت است کمک گرفته است.

سین چهارم خیال: سینماهای ایران از گلخانه در می‌آیند

بالاخره در میانه‌های تابستان ۱۹۹۹ اکران فیلم‌های روز دنیا در ایران امکان پذیر شد. متعاقب این تصمیم سخت، قرار است بسیاری

از سینماهایی که به سیستم صوتی دالبی مجهز نیستند، تجهیز شوند. نظام اکران زین پس با اختصاص دادن ۱۵ درصد از سهم اکران به فیلم‌های روز دنیا چرخه اکران را متنوع‌تر خواهد کرد. نکته جالب اینجاست که فیلم‌ها با کمترین ممیزی و با زیر نویس فارسی اکران خواهد شد و سازمان سینمایی تلاش خواهد کرد هر از چند گاهی پای یک سینماگر معتبر را هم‌زمان با اکران فیلم‌ها به ایران باز کند. نکته‌ای که نباید از قلم بیافتد این است که برای فیلم‌ها رده‌بندی سنی در بلیت‌فروشی اعمال خواهد شد و سینما تیکت هم قول مساعدت داده تا با ایجاد ساز و کارهایی مطمئن، رده‌بندی سنی در باره فیلم‌هایی که احتمال مخاطره بر انگیز بودنشان هست، اعمال شود.

سین پنجم خیال: بودجه خاص برای کانون پرورش فکری

کانون که در دهه ۶۰ و تا میانه‌های دهه ۷۰ آثاری کم‌نظیر در سینمای کودک و نوجوان ساخته بود و اصلا بسبباری از آثار در خشان کباب سستی و طالبی و امثالهم از آن جا بیرون آمده، حالا با کمک دولت قرار است دوباره میدان‌دار بشود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با فراخوان به تمام آن‌هایی که در حوزه سینمای کودک فعالیت داشته‌اند اعلام کرده که قرار است با اعطای بارانه‌های خاص و کمک‌های بلاعوض در روند فیلمسازی برای هر سید اکران، یک فیلم در حوزه کودک و نوجوان داشته باشند.

در ضمن پخش تیزر فیلم‌ها در تلویزیون هم رایگان خواهد بود. در روز اول فراخوان کسانی چون محمدعلی طالبی، مسعود کرامتی، مر ضیه برومند و ایرج طهماسب از طرح استقبال کردند.

سین ششم خیال: شهر کتاب راه میزبان سینما و ادبیات

مدیریت شهر کتاب‌ها پیر و رونق چشمگیر وی سابقه سینماها طی ۴۰ سال اخیر، تصمیم به برگزاری دوره‌ای نشست‌هایی با عنوان «سینما و ادبیات» گرفته‌اند. هدف از برپایی این

این گزارش شش ماهه که از وضعیت سینمای ایران در سال ۹۹ خواند، بد، حاصل تخیل بنده بود، اگر محقق نشد، به هیچ جایی نمی‌شود شکایت برد. خوبی‌اش اصلا همین است که جزو وعده‌های مقامات تلقی نمی‌شود و از همین جهت روی هوا ماندنش کسی را ناامید نمی‌کند

نشست‌ها از دیکی بیشتر سینما به ادبیات است. در سینمایی که آثاری چون داش اکل، ناخدا خورشید، تکسیر و... ساخته شده سال هاست اثری اقتباسی و چشمگیر تولید نشده، رونق چند ماه گذشته لزوم نزدیکی بیشتر سینما و ادبیات را یادآور شده و در اولین نشست از این سلسله نشست‌ها بهمن فرمان‌آرا و محمود دولت‌آبادی تصمیم به راه‌اندازی یک پروژه مشترک گرفته‌اند و به قولی موتور ماجرا را راه انداختند.

سین هفتم خیال: جدول فروش با تحرف می‌زند

پس از گذشت شش ماه از سال، فیلم «تگزاس ۳» فقط ۲۵۰ میلیون تومان فروش داشته، فیلم «خوب، بد، جلف ۳» ۳۸۰ میلیون تومان، فیلم «ازل و یک هفته» ۸۰۰ میلیون تومان داشته. مردم به فیلم‌های زان‌روی خوش‌بیشتری نشان داده‌اند. مثلا فیلم «میتیل و کابوس هایش» ساخته خانم برومند با فروش ۲۲ میلیاردی جان تازه‌ای به سینمای کودک داده است.

این گزارش شش ماهه که از وضعیت سینمای ایران در سال ۹۹ خواند، بد، حاصل تخیل بنده بود، اگر محقق نشد، به هیچ جایی نمی‌شود شکایت برد. خوبی‌اش اصلا همین است که جزو وعده‌های مقامات تلقی نمی‌شود و از همین جهت روی هوا ماندنش کسی را ناامید نمی‌کند. پس تاگزیر و از این بنده حقیر همین را بشنوید که در باره هر چیزی که دوست داشتید تخیل کنید که تخیل و خواب خوش مسکن این اوقات ناخوش است. ضمنا توجه کنید که در آستانه سال نو و نوروز دوست داشتنی چه بهتر که کار کم‌هزینه کنید، این همه ساختار سینمای کشور را به هم ریخته و هیچ تومانی هم از جیبم نرفت. نوروز پیروز است و کار هیچ پدیده‌ای نیست که خدشه بر تنش بیندازد.

خبر

بهترین فیلم‌های سینمایی سال ۹۸

در قصر شیرین با من برقص

آبان نامجو

واقعیت این است که اکران امسال خیلی اکران سرحالی نبود، برای این که یادتان بیاید در همین شش ماهه دوم چه روزهایی بر اکران گذشت، کافی ست یادتان بیاید که اتفاقات آبان، کرونا و... در چند ماهه کم‌اکران را شکست. این، آن بعد ماجراست که اتفاقات بیرونی نام گذاشتیم و خود کیفیت فیلم‌ها هم جنگی به دل نمی‌زد، با این حال چند فیلم خوب در اکران بود که هم منتقدان دوستش داشتند و هم مردم. ملاک فیلم‌هایی ست که در سال ۹۸ اکران شدند و گر نه مثلا «هتری شش و نیم» و «سرخ پوست» را خیلی هادر جشنواره سال پیش دیده بودند.

متری شش و نیم

چندتن از مأمورین پلیس مبارز با مواد مخدر به سر دستگی صمد به دنبال فروشنده بزرگ شیشه در تهران به اسم ناصر خاکزاد هستند. خب خیلی هافلیم را دیدند، چون بیشتر از هر چیز خوش ریتیم است. فیلمی که ریتیم داشته باشد، تماشاچی را روی صندلی نگه می‌دارد. مصافحان این هافلیم سعید روستایی از

دوبعد قابل توجه است؛ یکی این که در نیمه اول خیلی افشاگرانه و ناتوا لیستی اجرا شده، صحنه‌هایی عظیم با میزانسن‌های دشوار دارد و در نیمه دومش لحن فیلم تغییر می‌کند و شبیه به فیلمی مثل «مخمس» می‌شود. تقابل دو قطب ماجرا، پلیس و تپهکار تمپوی باز یگوشانه کار را بالاتر هم برده. البته شاید تنها ضعف فیلم هم از همین تغییر لحن نشات می‌گیرد که کمی کار را دویاره نشان می‌دهد.

سرخ پوست

یک زندان قدیمی در جنوب به دلیل مجاورت با فرودگاه در حال توسعه شهر در حال تخلیه است. سرگرد نعمت‌جاهد، رئیس زندان، به همراه مأمورانش در حال انتقال زندانیان به زندان جدید هستند و قرار است خودسر گرد به همراه افرادش تا عصر از زندان بروند و... از آن فیلم‌ها که کلاسیک هست در تمامی ارکان. تقریبی می‌شود نوشت که خالی از هر گونه اعوجاج حوصله سر بر و به اصطلاح مدرن بازی‌های شبه روشنفکر پسند این سال هاست فیلم یک داستان سر راست دارد که در هاله‌ای از رنگ و نور متناسب با فضا پیچیده شده است. یک روند کلاسیک

سه‌بخشی که مقدمه چینی دارد و به اوج می‌رسد و فرد می‌آید و یک پایان غافلگیر کننده البته.

قصر شیرین

جلال مرادی طی تصادفی خانواده‌ای را به قتل می‌رساند، اما تصادف در دادگاه غیر عمد شناخته می‌شود. او پس از گذراندن دوران زندان، همسر و فرزندانش را ترک کرده و به شهری دیگر می‌رود، پس از دو سال به شهرش بازمی‌گردد. از آن آثار جاده‌ای که مبنای درام را روی تحول شخصیت اصلی گذاشته. سیر تحول جلال که در ابتدای داستان یک شخصیت مسئولیت‌گریز است و در انتها بالکل چیز دیگری می‌شود. میر کریمی با «قصر شیرین» به اوج خودش بازگشت و نشان داد هنوز می‌تواند فضاهایی مثل «خیلی دور خیلی نزدیک» را بهتر از فضاهایی چون «هروز» پرداخت کند. بازی حامد بهداد و بچه‌های فیلم هم دل از منتقد مردم برد.

خانه پدری

ملوک دختر جوانی است که به دلایل ناموسی، پدرش خواهان مرگ او است و برای این کار به پسر کوچکش به نام محتشم گفته تا قبری در زیر زمین حفر کند تا ملوک را کشته و در آنجا دفن کنند. فیلم کلی حاشیه داشت و چندسال در توقیف بود، همین‌ها هم باعث شد در باره اهمیت آمیخته با جسارت فیلم کمتر صحبت شود. «خانه پدری» اثری است شجاع که



شجاعتش را در چشم‌ت فرو نمی‌کند. روایتی پیرودیک و در عین حال متصل از نگویند بختی ممتد زان ایرانی که البته در دام لوس بازی‌های فمینیستی هم نمی‌افتد، فیلم بجز یک اپیزود در باقی روایت‌ها پرداخت ظریفی دارد و در عین حال آوانگارد هم هست چون علیه نوستالژی است.

جهان با من برقص

دوستان جهانگیر برای آخرین تولد او دور هم جمع شده‌اند. این موقعیت موجب می‌شود آن‌ها درباره زندگی و خودشان

در کنار ابراهیم حامدی، بله مهناز با مانماندا!

زبانی تحویل گرفته شده سال یا نرگس آبیبار

در واقع آن قدرها هم خوب نبود که تحویلش گرفتند، خدا کند به همان مدار «نفس» بر گردد. باز نشستند شوید سال یا حاتمی کیا و کیمیایی هر دو بلندمرتبه و گران قدرند و هر دو کلی خاطره ساختند، حیفاست مضحکه عده‌ای شوند، حیفاست.

زوال سال یا سعیدراد

آقای صادق کرده با آن شمالی کم‌نظیرت چه کردی؟

دور از خانه سال یا بهروز و توقی

سلطان، جای شما خیلی خالیست.

فقدان سال یا جمشید مشایخی

او یکی از پنج تن سینمای ایران بود، نگاه به مواضع سال‌های آخرش نکند.

گوگولی سال یا محمدرضا گلزار

برنده باش و نقش آفرینی هایش و آن لاو جو جالی یک ماه قبلش.

پولساز سال یا جواد عزتی

شک نکنید که رضا عطاران یک رقیب سرسخت پیدا کرده، جواد عزتی.

مهاجر سال یا مهناز افشار

روزی که تیزر آن برنامه استعدادیابی پخش شد و بعد تر



ترین‌های سال سینمایی ۹۸

به کجا وصل هستی سال یا منوچهر هادی

حتی وقتی فیلمش را هم توقیف می‌کنند بیست روز گلی اکران عید را دارد و بعد که خوب فروخت، توقیف می‌شود.

پارادوکس سال یا شهاب حسینی

نام شهاب حسینی را در گوگل سرچ کنید، عکس‌ها را کمی بالا و پایین کنید تا متوجه شوید که چه وضعیتی متناقضی دارد.